دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بینامتنییت در شعر رمانتیستی نیما و فریدون توللی

استاد راهنما:

دکتر مریم شعبانزاده

استاد مشاور:

دکتر محمود حسن آبادی

تحقیق و نگارش:

معین سالاری ارفع

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

بهمن ۱۳۹۳

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **بینامتنییت در شعر رمانتیستی نیما و فریدون تـوللی**قسـمتی از برنامـه آموزشـی دوره کارشناسی ارشد **زبان و ادبیات فارسی** توسط دانشجو **معین سالاری ارفع** با راهنمایی استاد پایان نامه **دکتر مریم شعبانزاده** تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطـلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

معین سالاری ارفع

این پایان نامه **۴** واحد درسی شناخته مـی شـود و در تـاریخ ..... توسـط هیئـت داوران بررسـی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

	نام و نام خانوادگی	**امضاء**	**تاریخ**
استاد راهنما:	دکتر مریم شعبانزاده		
استاد مشاور:	دکتر محمود حسن آبادی		
داور ۱:	دکتر محمد علی زهرازاده		
داور ۲:	دکتر عبدالعلی اویسی کهخا		
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر علیرضا سلیمان زاده		

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب معین سالاری ارفع تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کـار پژوهشـی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطـابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سـطح یـا بـالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: معین سالاری ارفع

امضاء

تقدیم به:

روان پاک پدرم

که صادقانه به من آموخت تا چگونه در عرصه ی زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم

و به مادرم

دریای بیکران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر

و به تمام کسانی که دوستشان دارم.

سپاسگزاری

سپاس خداوند را که زبان قلم یارای سپاس او نیست.

شکر و سپاس خداوند قادر متعادل را که مهربان و حامی همه ی بندگان است و بی مدد حق تعالی هیچ کاری به انجام نمی‌رسد. در طول زندگی، تحصیل و انجام پایان نامه همیشه سپاس گزار مادر و خانواده‌ی عزیزم که با لطف و محبت خویش همواره یاورم بوده اند، هستم.

در انجام این پایان نامه قدردان راهنمایی های استاد گران قدر سرکار خانم دکتر مریم شعبانزاده هستم که راهنمایی‌های ارزشمندشان مرا در طی نمودن این مسیر دشوار یاری کردند. برای ایشان از درگاه ایزد منّان آرزوی سلامتی، سعادت و توفیق بیشتر در مسیر علم و دانش را دارم.

وهمچنین از اساتید گران سنگ گروه زبان و ادبیات فارسی دوره ی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان و نیز از اساتید بزرگوار دوره ی کارشناسی خود در دانشگاه شهید باهنر کرمان کمال تشکر و قدردانی را دارم و از آنان که حرفی به من آموختند ویا از نوشته‌هایشان بهره‌مند شده‌ام.

در پایان لازم می دانم از همه ی دوستانی که در این راه از حمایت و یاری آنان بهره مند شده ام، تشکر و قدردانی کنم.

چکیده

رمانتیسم رویکردی مبتنی بر احساس درتقابل با عقل محوری به شمار می‌آید. این مکتب در ایران بعد از دوران مشروطه شکل گرفت و نیما با سرودن شعر "افسانه" آن را تکامل بخشید و در ادامه‌ی آن شاعران رمانتیکی چون فریدون توللی و نادر نادرپور شعر رمانتیسم ایرانی را به حد اعتلا و عظمت خود رساندند.

بینامتنیت به معنی شیوه های متعددی است که هر متن ادبی به واسطه‌ی آنها به طور تفکیک ناپذیری با سایر متن ها از رهگذر نقل قول‌های آشکار و پنهان یا تلمیحات یا جذب مؤلفه های محوری و ملموسی مثل صور خیال، از متن های پیش از خود و یا به لحاظ مشارکت اجتناب ناپذیر در ذخیره‌ی مشترک سنن و شیوه های زبانشناسیک و ادبی تداخل می یابند.

مسأله‌ای که در این تحقیق بدان پاسخ داده شده این است که تأثیر پذیری توللی در مکتب رمانتیسم از نیما به چه میزان بوده است. اهمیّت این مسأله در این است که ما بتوانیم در شعر معاصر میزان تأثیر پذیری و تأثیر گذاری دو تن از شاعران بزرگ معاصر را مشخص کنیم. تأثیرپذیری توللی از نیما که با عنوان بینامتنیت در شعر رمانتیستی این دو شاعر بررسی شد در بیشتر اشعار مجموعه‌ی "رها" اثر توللی، مشخص شده است.

جلوه های رمانتیکی در شعر نیما و توللی، هر کدام به طور جداگانه به صورت مقاله و پایان نامه کار شده است اما تا جایی که بررسی شده است هیچ اثر مستقلی راجع به بررسی بینامتنیت در شعر رمانتیستی این دو شاعر (توللی و نیما) به رشته‌ی تحریر در نیامده است. محدوده‌ی این تحقیق؛ بررسی بینامتنیت(موسیقایی، معانی مشترک، صور خیال، مضمون و واژگان) در شعر نیما (بخصوص شعر افسانه) و شعر فریدون توللی (دفتر رها) است.

در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای- تحلیلی انجام گرفته است، پس از توضیح رمانتیسم، بینامتنیت و رمانتیسم در شعر نیما و توللی، به عنوان فرضیه‌ی اصلی نشان داده می‌شود که بین تعدادی از شعرهای فریدون توللی با اشعاری از نیمایوشیج ارتباط بینامتنی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: بینامتنیت - رمانتیسم - نیما- فریدون توللی.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول:مقدمه و کلیات تحقیق

۱ـ ۱ـ مقدمه ۲
۱ـ ۲ـ اهمیت پژوهش ۲
۱ـ ۳ـ سؤالات تحقیق ۳
۱ـ ۴ـ فرضیه‌ها ۳
۱ـ ۵ ـ پیشینه‌ی پژوهش ۳
۱ـ ۶ ـ ضرورت‌ها و اهداف تحقیق ۴
۱ـ ۷ـ شعر رمانتیک ۴
۱ـ ۸ـ تأثیر ادبیات غرب بر ظهور رمانتیسم در ادبیات نو ایران ۵
۱ـ ۹ـ سرآغاز شعر رمانتیک فارسی ۵
۱ـ ۱۰ـ ناشناختگی و ابهام در رمانتیک ۵
۱ـ ۱۱ـ رابطه‌ی رمانتیسم و درون بینی ۶
۱ـ ۱۲ـ بینامتنیت چیست؟ ۶
۱ـ ۱۳ـ مناسبات یک اثر با دیگر آثار ۷
۱ـ ۱۴ـ نظریه پردازان بینامتنیت ۸
۱ـ ۱۴ـ۱ـ میخائیل باختین ۸
۱ـ ۱۴ـ ۱ـ۱ مکالمه گرایی باختین ۸
۱ـ ۱۴ـ ۲ـ ژولیا کریستوا ۸
۱ـ۱۴ـ۲ـ۱ـ کریستوا ابداع کننده‌ی بینامتنیت ۹
۱ـ ۱۴ـ ۳ـ رولان بارت ۹
۱ـ ۱۴ـ ۴ـ رویکردهای ساختاری ژنت ۹
۱ـ۱۵ـ بینامتنیت در هنرهای غیر ادبی ۱۰
۱ـ۱۶ـ رمانتیسم ۱۱
۱ـ ۱۶ـ ۱ـ پیام و مقصود رمانتیک‌ها ۱۱
۱ـ ۱۶ـ ۲ـ رابطه‌ی تخیّل و رمانتیسم ۱۱
۱ـ ۱۶ـ ۳ـ نوستالژی و رمانتیسم ۱۲
۱ـ ۱۶ـ ۴ـ رمانتیسم و ادبیات شرق ۱۲
۱ـ ۱۶ـ ۵ـ رمانتیسم در ایران ۱۲

۱ـ ۱۶ـ ۶ـ رمانتیسم ایرانی و آغازگر آن ۱۲
۱ـ ۱۶ـ ۷ـ رمانتیسم بعد از نیما ۱۳
۱ـ ۱۷ـ نیمایوشیج ۱۳
۱ـ ۱۷ـ ۱ـ فرایند عظیم تجدد ادبی نیما و پیوند او با طبیعت ۱۵
۱ـ ۱۷ـ ۲ـ مشخصه‌های رمانتیسم نیما ۱۵
۱ـ ۱۷ـ ۳ـ آرمان و امید در نزد نیما ۱۵
۱ـ ۱۷ـ ۴ـ شخصیت شعری و شاعری نیما ۱۶
۱ـ ۱۷ـ ۵ـ نیما و مردم وشعر اجتماعی ۱۷
۱ـ ۱۷ـ ۶ـ نیما، سادگی روستایی و عشق به طبیعت ۱۷
۱ـ ۱۷ـ ۷ـ تفاوت نیما با شاعر کلاسیک ۱۸
۱ـ ۱۸ـ فریدون توللی ۱۸
۱ـ ۱۸ـ ۱ـ سرانجام توللی در تقلید از راه نیما ۲۰

فصل دوم:رمانتیسم در شعر نیما

۲ـ۱ـ نیما و هنر شاعری ۲۲
۲ـ۲ـ اندوه و غربت در شعر نیمایی ۲۳
۲ـ ۳ـ ویژگی‌های رمانتیسم نیمایی ۲۴
۲ـ ۳ـ ۱ـ هنجارگریزی ۲۴
۲ـ ۳ـ ۱ـ ۱ـ تغییر در قالب شعر ۲۴
۲ـ ۳ـ ۱ـ ۲ـ تغییر در وزن شعر ۲۴
۲ـ ۳ـ ۲ـ عشق و احساسات ۲۵
۲ـ ۳ـ ۳ـ تخیّل ۲۶
۲ـ ۳ـ ۴ـ طبیعت گرایی ۲۸
۲ـ ۳ـ ۴ـ ۱ـ شعر نیما؛ تجربه از طبیعت و زندگی خصوصی ۲۹
۲ـ ۳ـ ۵ـ فردیّت ۲۹
۲ـ ۳ـ ۶ـ تمدن ستیزی ۳۰
۲ـ ۳ـ ۷ـ یأس و ناامیدی ۳۰
۲ـ ۳ـ ۸ـ زبان و فرهنگ عامیانه ۳۲
۲ـ ۳ـ ۹ـ نوستالژی ۳۲
۲ـ ۴ـ رمانتیک متعالی و غیر احساساتی نیما ۳۳
۲ـ ۵ـ نخستین و مهم‌ترین شعرهای رمانتیک نیما ۳۳
۲ـ ۵ـ ۱ـ افسانه، آغازگر رمانتیسم ۳۳
۲ـ ۵ـ ۱ـ ۱ـ ویژگی های رمانتیکی "افسانه"ی نیما ۳۸

۲ـ ۵ـ ۱ـ ۲ـ طبیعت در شعر افسانه ۳۹
۲ـ ۵ـ ۲ـ قصه‌ی رنگ پریده ۴۰
۲ـ ۵ـ ۳ـ ای شب ۴۲
۲ـ ۶ـ رمانتیسم انقلابی و اجتماعی در شعر نیما ۴۴
۲ـ ۶ـ ۱ـ اشعار رمانتیک اجتماعی – انقلابی نیما ۴۴
۲ـ ۶ـ ۲ـ مضامین رمانتیسم انقلابی- اجتماعی در شعر نیما ۴۴
۲ـ ۶ـ ۲ـ ۱ـ اندوه، غم و پریشانی ۴۴
۲ـ ۶ ـ ۲ـ ۲ـ شور انقلابی و رسالت پیامبرگونه ۴۵
۲ـ ۶ـ ۲ـ ۳ـ خوشبینی و امید همراه با کشف و شهود ۵۴
۲ـ ۶ـ ۲ـ۴ـ شب، تاریکی ۶۰

فصل سوم:توللی و معرفی رمانتیسم او

۳ـ ۱ـ شعر توللی ۶۷
۳ـ ۲ـ "رها" و مقدمه‌ی آن. (مانیفست شعر رمانتیک) ۶۷
۳ـ ۳ـ رمانتیسم فردی ۷۲
۳ـ ۳ـ۱ـ طبیعت ۷۲
۳ـ ۳ـ ۱ـ مصادیق بهره‌گیری از طبیعت در شعر توللی ۷۲
۳ـ ۳ـ ۱ـ ۲ـ تمدن و شهر ستیزی و گریز به بدویت ۸۲
۳ـ ۳ـ ۱ـ ۳ـ عشق ۸۳
۳ـ ۳ـ ۱ـ ۴ـ گریز از وضعیت موجود به کودکی، گذشته و جغرافیای خیال ۹۹
۳ـ ۳ـ ۱ـ ۵ـ رمانتیسم اجتماعی در شعر فریدون توللی ۱۰۲

فصل چهارم:بینامتنیت در شعر رمانتیستی فریدون توللی و نیمایوشیج

۴ـ۱ـ توللی و تأثیر پذیری از نیما ۱۰۵
۴ـ ۲ـ بینامتنیت موسیقایی ۱۰۵
۴ـ ۲ـ ۱ـ قافیه ۱۰۵
۴ـ ۲ـ ۲ـ قالب و وزن ۱۰۸
۴ـ ۳ـ بینامتنیت معنایی(معانی مشترک) ۱۰۸
۴ـ ۳ـ ۱ـ بیان احساسات شاعر ۱۱۲
۴ـ ۴ـ بینامتنیت ادبی(صور خیال) ۱۱۴
۴ـ ۴ـ ۱ـ صنعت تشخیص ۱۱۵
۴ـ ۴ـ ۲ـ استعاره ۱۱۷
۴ـ ۴ـ ۳ـ تشبیه ۱۱۸
۴ـ ۵ـ بینامتنیت در بافت کلام(واژگان، دایره‌ی لغات) ۱۱۹

۴ـ ۶ـ بینامتنیت در مضمون..... ۱۲۳
نتیجه گیری ۱۲۵
فهرست منابع ۱۲۶

فصل اول

مقدمه و کلیات تحقیق

۱ـ ۱ـ مقدمه

رمانتیسم نام جنبش هنری است که در اواخر سدّه‌ی هجدهم و اوایل سدّه‌ی نوزدهم میلادی شکل گرفت و در معنای عام، به دوره‌هایی اطلاق می شود که کیفیت‌های عاطفی و تخیّلی در هنر و زندگی مورد تأکید قرارمی‌گیرند. بر اساس نگاه متفاوت نویسندگان به این مسأله، تعاریفی گوناگون از این مکتب ارائه شده است: "رمانتیسم بدوی است، تعلیم نادیده است، جوانی است، زندگی است، احساس پر شر و شور زندگی انسان طبیعی است امّا در عین حال افسردگی است، بیماری است، انحطاط است، ناخوشی قرن است و زیبای سنگدل، رقص مرگ است یا به راستی خود مرگ." (برلین،۱۳۹۱ ۴۴). دقیقیان به نقل از تولستوی می گوید: «رمانستیم ناشی از وحشت رویارویی با واقعیت است.»(دقیقیان، ۱۳۷۱: ۲۳)

"آگوست ویلهلم شلگل" از بزرگان ادبیات رمانتیک آلمان ، ادبیات رمانتیک را حاصل اضداد و مخلوطی از انواع مختلف ادبی می‌داند و می‌گوید: "ذوق رمانتیک پای‌بند نزدیکی مداوم امور بسیار متضاد است. در سبک رمانتیک طبیعت و هنر ، شعر و نثر، جد و هزل، خاطره و پیشگویی، عقاید مبهم و احساسات زنده ، آنچه آسمانی است و آنچه زمینی است و بالاخره زندگی و مرگ در هم می‌آمیزد." (سید حسینی، ۱۳۸۹ ،ج۱: ۱۷۸). زادگاه رمانتیسم را انگلستان می‌نامند و دوره‌ی اوج این جنبش بین سال های ۱۷۹۰تا ۱۸۴۰ بود.

بینامتنیت یکی از رویکردهای مورد توجه در تحقیقات ادبی معاصر است. بینامتنیت این نکته را اثبات می‌کند که آثار ادبی و هنری از عناصر از پیش موجود تشکیل می‌شوند. این نظریه به نحوه‌ی رابطه، تأثیرپذیری‌ها و جنبه‌های مشترک بین آثار ادبی و هنری می‌پردازد. برخی از منتقدان مدعی هستند که هیچ متنی بدون پیش متن و دخالت مسایل بینامتنی حاصل نمی‌شود و شناخت و آگاهی فردی را نتیجه‌ی شناخت و آگاهی جمعی می‌دانند. میخائیل باختین ، ژولیا کریستوا و رولان بارت از مهم‌ترین نظریه پردازان بینامتنیت هستند.

۱ـ ۲ـ اهمیت پژوهش

بینامتنیت از مباحث جدید در ادبیات و هنر می‌باشد. بینامتنیت یکی از شیوه‌های مدرن در نقد آثار ادبی و هنری است: « بینامتنیت از رایج ترین اصطلاحات مورد استفاده در واژگان نقادی معاصر است . "بررسی بینامتنی . . . " یا " بینا متنیت و . . . " تعابیری آنچنان رایج در عناوین آثار انتقادی اند که بسا این پنداشت را

به ذهن متبادر می کنند که بینامتنیت اصطلاحی قابل فهم برای همه و مهیا کننده‌ی مجموعه‌ی ثابتی از رویه‌های نقادانه برای تأویل است.» (آلن ،۱۳۸۹ : ۱۲).

بررسی بینامتنیت در شعر نیما و فریدون توللی به ما کمک می‌کند که با آثار این دو شاعر بزرگ مکتب رمانتیک ایران آشنا شویم و میزان تأثیر پذیری فریدون توللی را به عنوان یکی از پیروان رمانتیک شعر نیما، آن طور که شایسته و بایسته است آشنا شویم.

در این تحقیق سعی ما بر این بوده است که با بررسی آثار رمانتیک نیما و فریدون توللی بیشتر با شعر رمانتیسم ایران آشنا شویم و بینامتنیت در شعر این دو شاعر بزرگ- دفتر رها از فریدون توللی و شعر نیمایوشیج خصوصاً افسانه- را مشخص کنیم.

۱ـ ۳ـ سؤالات تحقیق

۱- ویژگی ها و نمودهای رمانتیسم در شعر نیما چگونه است؟

۲- ویژگی ها و نمودهای رمانتیسم در شعر توللی چگونه است؟

۳- آیا فریدون توللی در مکتب رمانتیسم از نیما تأثیر پذیرفته است؟

۱ـ ۴ـ فرضیه‌ها

۱- ویژگی ها و نمود های رمانتیسم در شعر نیما وجود دارد.

۲- ویژگی ها و نمود های رمانتیسم در شعر توللی وجود دارد.

۳- فریدون توللی در مکتب رمانتیسم از نیما تأثیر پذیرفته است.

۱ـ ۵ ـ پیشینه‌ی پژوهش

راجع به موضوع بینامتنیت کتاب‌هایی از جمله: "بینامتنیت" اثر گراهام آلن، "به سوی پسامدرن" و "ادبیات پسامدرن" هر دو اثر پیام یزدانجو، "ساختار و تأویل متن" اثر بابک احمدی نوشته شده است و همچنین مقالاتی از جمله: "از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی"و "مطالعه‌ی پیشابینامتنیت باختینی" هر دو اثر بهمن نامور مطلق، "بینامتنیت" اثر علی اصغر قره‌باغی، "بازتاب اشعار سنتی و معاصر فارسی در شعر شفیعی کدکنی با رویکرد به نظریه‌ی بینامتنیت"(دکتر عبدالله حسن زاده‌ی میرعلی)، "بررسی تطبیقی

محورهای سه‌گانه‌ی بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه‌ی بلاغت اسلامی"(علی صباغی). راجع به رمانتیسم کتاب‌هایی از جمله "سیر رمانتیسم در ایران"(مسعود جعفری)و "ریشه‌های رمانتیسم" (آیزایا برلین) چاپ شده است و همچنین مقالاتی از جمله: "پیشگامان شعر رمانتیک فارسی"(مسعود جعفری)، "رمانتیسم و مضامین آن در شعر معاصر فارسی"(محمد خاکپور). راجع به توللی کتاب "این بانگ دلاویز" اثر علی بابا چاهی و مقالاتی از جمله "چشم انداز توللی رمانتیسم و اندوه غربت" (هوشنگ جمشید آبادی) و... تألیف شده است. درباره‌ی رمانتیسم نیما مقالاتی از جمله "افسانه، اوج رمانتیسم نیما" (مسعود جعفری) و "بن‌مایه‌های رمانتیکی شعر نیما"(مهدی شریفیان) تألیف شده است، ولی تا جایی که نگارنده تحقیق کرده است، هیچ نویسنده‌ای به صورت جامع درباره‌ی بینامتنیت شعر توللی و نیمایوشیج کار نکرده و کتاب یا رساله‌ای در این زمینه نوشته نشده است.

۱ـ ۶ ـ ضرورت‌ها و اهداف تحقیق

نشان دادن میزان تأثیر پذیری شاعران از یکدیگر این موضوع را آشکار می‌سازد که ما به ارزش واقعی شاعران و نویسندگان و میزان خلاقیت آنها پی ببریم و همچنین از قضاوت‌های سطحی و مقلدانه دوری‌گزینیم. اطلاعات کامل ما از میزان بینامتنیت در آثار شاعران و نویسندگان ما را از ارزیابی‌های تعصب ورزانه دور نگه می‌دارد و زمینه‌ی نقد منصفانه‌ای را برای ما فراهم می‌سازد. بینامتنیت وابستگی متقابل فرهنگ‌ها و میزان تأثیرپذیری آنها را از هم آشکار می‌سازد.

۱ـ ۷ـ شعر رمانتیک

شعر رمانتیک همه‌ی امور خیالی و شاعرانه را در بر می‌گیرد، از بزرگ‌ترین سیستم‌های پیچیده‌ی هنری تا آه و حسرت عاشقان و دلسوختگان. "شعر رمانتیک شعری پیشرو و جهانی است. صرفاً در پی آن نیست که انواع جداگانه‌ی شعر را از نو با یکدیگر همراه کند و شعر را با فلسفه و بلاغت و خطابه پیوند دهد؛ بلکه علاوه بر اینها ، شعر رمانتیک باید شعر و نثر، نبوغ و نقد ادبی، و شعر هنری و شعر طبیعی را در هم آمیزد و آنها را یگانگی دهد."(فورست،۹۲: ۶۹).

مضمون های شاخص هنر رمانتیک عبارت بودند از : عشق به منظره های بکر طبیعی و امور رمز آمیز غریب در هر هیئت و ظاهری، غم غربت درباره ی دوران گذشته، اشتیاق پرشور به نیروهای لگام گسیخته، تمایل شدید

به آزادی و... . "رمانتیک‌ها علّت را نه در مناسبات اجتماعی بلکه در رشد صنعت می‌دیدند که چهره‌ی شهرها را خراب و جنگل‌ها و مراتع را نابود کرده بود. رویکرد آنها به مضامین رؤیایی، دوران کودکی و روزگار طلایی گذشته، محصول این نگرش است." (دقیقیان،۱۳۷۱: ۲۱).

۱ـ ۸ـ تأثیر ادبیات غرب بر ظهور رمانتیسم در ادبیات نو ایران

عوامل مختلفی بر ظهور رمانتیسم در ادبیات نو ایران تأثیرگذار بوده‌اند.« تاثیر ادبیات غرب (عمدتاً از راه ترجمه و گاه به صورت مستقیم)یکی از عوامل اصلی ظهور رمانتیسم در ادبیات جدید فارسی است ولی نباید نقش عوامل اجتماعی و فکری را نادیده گرفت. از لحاظ اجتماعی، دوره‌ی پیدایش رمانتیسم در ایران نیز همچون غرب، دوره کشکمش نو و کهن و غلبه‌ی جهان نو بر جهان کهن است و رمانتیسم در ایران نیز همچون غرب آمیخته با انواع گرایش‌ها و دغدغه‌های متفاوت اجتماعی است.»(جعفری،۱۳۸۶:۳۱)

۱ـ ۹ـ سرآغاز شعر رمانتیک فارسی

نیمایوشیج و میرزاده‌ی عشقی از آغازگران شعر رمانتیک در ایران هستند.«بسیاری از صاحب نظران افسانه‌ی نیما را در کنار برخی اشعار میرزاده‌ی عشقی سرآغاز شعر رمانتیک دانسته اند. این سخن به اعتبار شاخص بودن افسانه و قوّت عنصر رمانتیک در آن سخن کاملاً درستی است، امّا نشانه ها و رگه های نوعی رمانتیسم را - ولو کمرنگ و ضعیف- در پاره ای شعرهای عصر مشروطه هم می توان دید.»(همان: ۷۰)

۱ـ ۱۰ـ ناشناختگی و ابهام در رمانتیک

نووالیس، از بزرگان رمانتیک آلمان، بر ناشناختگی و ابهام در شعر رمانتیک تأکید دارد. سیروی پرهام به نقل از نووالیس می‌گوید: «شعر رمانتیک صنعتی است که همه چیز را به نحو دل انگیزی عجیب و شگفت آور می سازد- صنعتی که همه چیز را در فاصله های دور قرار می دهد بی آنکه از رنگ آشنا و جذابیت آنها بکاهد. به گفته ی وی هر چیز را می توان شاعرانه و رمانتیک جلوه داد، در صورتی که آن را دور از نظر نگه داریم و یا اینکه چیز های عادی را مرموز جلوه دهیم، شناخته را ابهت ناشناخته بخشیم و آنچه را محدود است بی نهایت نمودار کنیم.» (پرهام:۱۳۶۲: ۱۱۴)

۱ـ ۱۱ـ رابطه‌ی رمانتیسم و درون بینی

« رمانتیسم قرن نوزدهم ، مکتب هنر به خاطر هنر ، سمبولیسم مالارمه و رمبو ، بیشتر بر اساس درون بینی بوجود آمدند و در برج عاج زبان فاخر ادبی محبوس ماندند» (براهنی،۱۳۷۱ ،ج۱: ۱۶۲).

« "پینتو"در کتاب معروف خود به نام " بحران در شعر انگلیسی" ، از دو سفر صحبت می کند ، سفری براساس برون بینی و سفر دیگری براساس درون بینی. گرایش انسان به سوی طبیعت و اجتماع و مناسبات گوناگون زندگی در سطح خارجی و بدون توشه گرفتن از قدرت های ذهنی از او یک "برون بین " می سازد . برعکس ، همیشه ذهنی ماندن ، پشت به اجتماع کردن و اصلاً جهان خارج را در نظر نیاوردن، از انسان فردی "درون بین" می سازد. شعر راستین از تلفیق و تطابق و ترکیب این دو جهان به وجود می‌آید و شاعر باید هر دو سفر را بطور موازی و مقارن انجام دهد »(همان: ۱۶۲).

رمانتیک‌ها برای فرار از واقعیت به درون خود و طبیعت می‌گریزند: «رمانتیسم تصویرگر "فاصله" است : فاصله ای با کانون ، بنابراین برای ایجاد فاصله ی زمانی به گذشته های دور و دوران کودکی و آغاز حیات پناه می برد تا از واقعیت اکنون به آینده بگریزد . برای ایجاد فاصله ی مکانی به طبیعت وحشی و دست نخورده و دشت ها و کوهستان های دور دست می گریزد و به مکان های کهنه و متروک پناه می برد ، زیرا از رویارویی با واقعیت دل خوشی ندارد. در اثر این کشمکش به درون خود می گریزد تا آنچه را در خارج نمی تواند تحقق بخشد در درون خود متحقق سازد . در این فرار به امر ناشناخته و نامتناهی و دور از دسترس بر می خورد . آنچه می بیند تصویر تار و پرغباری از زندگی و درون اوست . تصویری سرشار از رنج ، اندوه ، وحشت و یأس و ناامیدی . از این رو برای رمانتیک ها تنها آن بخش از عالم واقعی که مبهم و تاریک بود شایستگی توصیف داشت ، آن ها در پی زیبایی ناپیدای موهوم‌اند.» (فتوحی ،۱۳۸۹ : ۱۳۲)

۱ـ ۱۲ـ بینامتنیت چیست؟

بینامتنیت یکی از شاخه‌های مهم نظریه‌ی پست مدرن و از شیوه‌های جدید در نقد آثار ادبی و هنری است. در دهه‌های اخیر این نظریه و مطالعات مربوط به آن در بین منتقدان آثار ادبی رواج روز افزونی داشته است. بر اساس این نظریه، آثار ادبی و هنری از قسمت‌هایی تشکیل شده که قبل از این موجود بوده‌اند. از کاربردهای این رویکرد در این است که تأثیر گذاری و نأثیر پذیری فرهنگ‌ها را به خوبی نشان می‌دهد.

«بینامتنیت ، به عنوان یکی از ایده های محوری در نظریه ی ادبی معاصر ، اصطلاح شفافی نبوده و بنابراین ، به رغم بهره گیری اطمینان بخش بسیاری نظریه پردازان و منتقدان از آن ، نمی تواند به شیوه ی بی ابهامی مطرح شود. چنین اصطلاحی در معرض این خطر قرار دارد که معنایش بیش از آنی نباشد که هر منتقد خاصی می خواهد از آن مراد کند.» (آلن، ۱۳۸۹: ۱۲)

۱ـ ۱۳ـ مناسبات یک اثر با دیگر آثار

« اثر ادبی دیگر حاصل افکار اصیل یک مؤلف نبوده ، دیگر کارکردی ارجاعی نداشته، خود حامل معنا نبوده ، بل به عنوان فضایی در نظر گرفته می شود که در آن ، شمار بالقوه بی نهایتی از مناسبات و روابط در هم تنیده می شوند. اثر ادبی ، به عنوان عرصه ی واژه‌ها و جمله هایی که در چنبره‌ی امکانات معنایی متعدد قرار گرفته اند. اکنون تنها به شیوه‌یی قیاس گرایانه قابل فهم می شود و خواننده از ساختار ظاهری اثر به جانب مناسبات آن اثر با دیگر آثار و دیگر ساختارهای زبان شناختی حرکت می کند.» (همان: ۲۶)

در نقد بینامتنی ما باید اجزای این متن را در متون دیگر پیدا کنیم. این نظریه اثبات می‌کند که ما فقط با متون سر و کار نداریم، بلکه در قالب‌های هنری همچون نقاشی، موسیقی ، فیلم، مجسمه سازی، معماری، عکاسی و ... این نظریه کاربرد دارد. نظریه پردازان اعتقاد دارند که: «کار خوانش متون ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. تأویل کردن یک متن، کشف کردن معنا یا معانی آن، در واقع ردیابی همین روابط است. بنابراین خوانش به صورت روندی از حرکت در میان متون در می‌آید.» (همان: ۱۲). بینامتنیت باعث می‌شود ما به ارزش واقعی آثار پی ببریم، میزان خلاقیت‌ها و تأثیرپذیری‌ها برای ما روشن می‌شود. «کارایی بینامتنیت در آن است که تصورات مطرح از رابطه‌ی بنیادی، پیوند دوسویه و وابستگی‌های متقابل در زیستمان فرهنگی امروز را برجسته می‌کند.» (همان: ۱۷). این رویکرد در نقد ادبی در چند دهه‌ی اخیر مدام در حال افزایش است. بیشتر نظریه پردازان راجع با این موضوع تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند، اما همه‌ی آنها بر این نکته تأکید دارند که آثار ادبی و هنری به وسیله‌ی یک نفر خلق نشده‌اند و در آفرینش آنها کسان دیگری هم نقش دارند و این نکته را در اثری مثل یک فیلم و یا یک داستان به خوبی می‌توان مشاهده کرد. میخائیل باختین ، ژولیا کریستوا و رولان بارت از مهم‌ترین نظریه پردازان بینامتنیت هستند که در این فصل به ذکر نظریات آنها می‌پردازیم.

۱ـ ۱۴ـ نظریه پردازان بینامتنیت

۱ـ ۱۴ـ۱ـ میخائیل باختین

باختین از بزرگ‌ترین نظریه پردازان بینامتنیت است. آثار او که بعدها مورد نقد و تحلیل نظریه پردازانی چون کریستوا و تودوروف قرار گرفت، راهگشای بسیاری از مشکلات این نظریه شد. اصطلاحات رایج این مکتب همچون مکالمه گرایی، چند آوایی، دگر آوایی، گفتمان دو آوایه، پیوند دو سویه و دیگر بودگی، همگی برگرفته از تفکر این نظریه پرداز بزرگ است. « آثار باختین، امروزه در حوزه‌های نظریه و نقادی ادبی، زبان شناسی، نظریه‌ی سیاسی و اجتماعی، فلسفه و در بسیاری از دیگر رشته ها تأثیرگذاری فوق العاده‌ای دارد... بینامتنیت و آثار باختین قابل تفکیک از یکدیگر نبوده و در فهم بینامتنیت علناً باید به فهمی از آثار وی دست یافت.»(همان: ۳۰)

باختین معتقد است که: «هر سخن (به عمد یا غیر عمد، آگاه یا ناخود آگاه) با سخن‌های پیشین که موضوع مشترک با هم دارند و با سخن‌های آینده که به یک معنا پیشگویی و واکنش به پیدایش آنهاست، گفتگو می‌کند.»(احمدی، ۱۳۷۲: ۹۳).

باختین بر خلاف رولان بارت در صدد اعلام مرگ مؤلف نیست. « از نظر او، مؤلف هنوز در پس رمان خود ایستاده، اما به عنوان یک آوای مقتدرانه‌ی راهبر وارد اثر نمی‌شود.» (آلن، ۱۳۸۹: ۴۳)

۱ـ ۱۴ـ ۱ـ۱ مکالمه گرایی باختین

«به نظر باختین، مکالمه گرایی از مؤلفه‌های همه‌ی زبان‌هاست.»(همان: ۳۹). « از ساده‌ترین گفته تا پیچیده‌ترین اثر متعلق به گفتمان علمی یا ادبی، هیچ گفته‌ای به تنهایی وجود ندارد. یک گفته از قبیل اثری محققانه می‌تواند خود را به عنوان ذاتی مستقل و تک گویانه عرضه کند؛ امّا خود از تاریخ پیچیده‌ای از آثار پیشین نشأت گرفته است و خود را مخاطب یک بستر اجتماعی و نهادی پیچیده ساخته و در پی دریافت پاسخی فعالانه از سوی آن است. گفته‌ها همگی مکالمه بنیاد بوده و معنا و منطق‌شان وابسته به آن چیزهایی است که پیشتر گفته شده است و نیز نحوه‌ی دریافت آتی آنها از سوی دیگران خواهد بود.» (همان: ۳۶).

۱ـ ۱۴ـ ۲ـ ژولیا کریستوا

کریستوا یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه‌های زبان‌شناسی و نشانه شناسی است. «اصطلاح بینامتنیت نخستین بار در زبان فرانسه و در آثار کریستوا از اواسط تا اواخر دهه‌ی شصت مطرح شد. کریستوا در جستارهایی چون متن دربند و کلام، مکالمه و رمان، آثار نظریه پرداز روس، باختین، را به دنیای فرانسه زبان

معرفی کرد.» (همان: ۳۰). کریستوا در خصوص بینامتنیت اعتقاد دارد که: « مؤلفان، متون خود را به یاری اذهان اصیل خویش نمی‌آفرینند، بلکه این متون را با استفاده از متون از پیش موجود تدوین می‌کنند، ... یک متن جایگشت متون و بینامتنی در یک فضای مفروض است.»(همان: ۵۸). بنابراین کریستوا نقش مؤلف یا نویسنده را خیلی مهم تلقی نمی‌کند و یک متن را نتیجه‌ی ذهن و اندیشه‌ی یک شخص نمی‌داند، بلکه آن را نتیجه‌ی اذهان و اندیشه‌ها می‌داند.

«کریستوا با تأکید بر سرشت اجتماعی و دو آوایه‌ی زبان، مکالمه گرایی باختین را با نشانه شناسی خود عجین می‌سازد. او کلام ادبی پویا را بر اساس یک ساحت افقی ویک ساحت عمودی تعریف می‌کند. در ساحت افقی، کلام در متن هم متعلق به فاعل نویسا و هم متعلق به مخاطب است. در ساحت عمودی، کلام در متن به سوی یک شاکله ی ادبی پیشین یا همزمان جهت گیری می‌کند.» (همان:۶۲)

۱ـ۱۴ـ۲ـ۱ـ کریستوا ابداع کننده‌ی بینامتنیت

بابک احمدی ابداع واژه‌ی بینامتنیت را از آن ژولیا کریستوا می‌داند: « اگر سرشت رابطه‌ی بنیاد کلام برای سوسور از در نظر گرفتن زبان به عنوان یک نظام عمومیت یافته و انتزاعی ناشی می شود، از دید باختین این سرشت از موجودیت کلام در عرصه‌های اجتماعی خاص، سیاق‌های اجتماعی خاص و وهله‌های مشخص گفتار و شنیدار ناشی می شود. از آنجا که سوسور و باختین هیچ کدام عملاً اصطلاح بینامتنیت را به کار نبرده‌اند، معمولاً اعتبار ابداع "بینامتنیت" نصیب" ژولیا کریستوا " می شود. کریستوا تحت تأثیر الگوهای باختینی و سوسوری می‌کوشد بینش ها و نظریات عمده‌ی آنها را با هم تلفیق کند.» (همان: ۲۵)

۱ـ ۱۴ـ ۳ـ رولان بارت

رولان بارت، نظریه پرداز فرانسوی، نویسنده‌ای بزرگ در حوزه‌ی نظریه‌ی نقد ادبی است. اثر مشهور او "مرگ مؤلف" است. بارت در تعریف از متن می‌گوید: « واژه‌ی متن بر یک بافت در هم تنیده دلالت دارد. بنابراین متن منسوجی در هم تنیده از تار و پود "از پیش نوشته"ها و "از پیش خوانده"هاست.»(همان: ۱۷).

« متن نه تنها تکثری از معناها را به جریان می‌اندازد، بلکه از گفتمان‌های متعدد به هم بافته شده و در هم تنشی از معناهای از پیش موجود است.»(همان: ۱۰۱).

۱ـ ۱۴ـ ۴ـ رویکردهای ساختاری ژنت

«رویکرد بینامتنی از زمان ظهورش در آثار پساساختارگرای اواخر دهه‌ی شصت و همچنین از سوی نظریه پردازانی که چارچوب ذهنی ساختارگراتری داشته‌اند، اخذ و استفاده شده است.»(همان: ۱۳۹). یکی از این

نظریه پردازان ژرار ژنت فرانسوی است و سعی ما در این پایان‌نامه بر این است که بینامتنیت در شعر رمانتیستی نیما و توللی را بر اساس دیدگاه این نظریه پرداز تحلیل کنیم.« در نگاه این نظریه پرداز ، آثار ادبی به منزله‌ی کلیاتی اصیل، یکتا و یگانه نبوده، بلکه تبیین‌ها (گزینش‌ها و آمیزش‌ها)ی خاصی از یک نظام محصورند.» (همان: ۱۴۱).

۱ـ۱۵ـ بینامتنیت در هنرهای غیر ادبی

بینامتنیت به عنوان رویکردی جدید در فرهنگ و هنر معاصر، فقط اختصاص به ادبیات ندارد و در حوزه‌های گوناگون هنر از قبیل: سینما، نقاشی، موسیقی، معماری، عکاسی و ... نیز کاربرد دارد. « "فردیناند دو سوسور" در دوره‌ی زبان شناسی عمومی در جستجوی علم جدیدی، یعنی نشانه شناسی، بود که کارش مطالعه‌ی "حیات نشانه‌ها در جامعه" باشد. همچنین می‌توان از زبان‌های سینما، نقاشی، یا معماری سخن گفت؛ زبان‌هایی که تولیدات حاصل از الگوهای پیچیده‌ی رمزگذاری، باز رمزگذاری، اشاره، بازتاب و جایگردانی نظام‌ها و رمزگان‌های پیشین را در بر می‌گیرد.»(همان: ۲۴۷).

«امروزه بسیاری از منتقدان موجودیت اصطلاح بینامتنیت را با رغبت پذیرا شده‌اند و به دفاع از مزّیت مثبت آن در قیاس با اصطلاحات استوارتر در حوزه‌ی پژوهشی خود می‌پردازند. برای مثال "جی مایکل آلسن" مقایسه‌ی مطلوبی بین کارایی بینامتنیت در حوزه‌ی موسیقی شناسی با ارجاعات موسیقی شناختی استوارتر به تقلید و وام‌گیری صورت داده و در این مقایسه اصطلاح بینامتنیت را ارجح می‌شمارد.» (همان: ۲۴۸).

«در بحث‌های سینمایی نیز انواع بینامتنیت در گذر از مرز بندی‌های هنری اغلب مورد کند و کاو قرار گرفته است. برای مثال، "تی.جفرسون کلاین" در **به تصویر کشیدن متن: بینامتنیت و سینمای موج نوی فرانسه** نشان می‌دهد که چگونه رویکرد فیلم سازانی چون "ژان- لوک گودار"، "روبر برسون"، " آلن رنه" و دیگر فیلم سازان موج نو، بینامتن‌های ادبی را همزمان مطرح و محو می‌کنند. کلاین این اصطلاح را به کار می‌گیرد تا نشان دهد که چگونه در موج نوی فرانسه می‌توان شاهد رویکرد خاصی به رابطه‌ی شاخص و دو سویه‌ی سینما و سنت ادبی بود.» (همان: ۲۵۵).

در دیگر هنرها چون عکاسی، تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی، معماری و ... نیز شواهدی وجود دارد که جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.